

پاسخ به یک نامه

از: ایرج شگرف نخعی
برای جلوگیری از دروغ گفتن کودکان
اعتماد بنفس آنها را جلب نمائید. عملاً
به بچه‌ها بیاموزید:

بهترین کلید گشایش کار راستی است

تا ۸ سالگی فرزند شما از چیزهایی برایتان حرف بزند که خودش ندیده و یا از کارهایی تعریف نماید که انجام نداده است در اینجا در دروغگو نامیدن بچه عجله نکنید. مثلاً اگر بچه شما گفت که بر فیل بزرگی سوار شده است در حالی که هرگز او را به باغ وحش نبرده اید دلیل این ادعای او صرفاً این نیست که شما را فریب دهد و اغفال کند شاید هم بعضی موارد بتوان گفت که قضیه درست عکس این است یعنی کودک با گفتن آرزوهایش شما اعتماد میکند و بصورتی از شما میخواهد که دعوت او را بپذیرید و به دنیای خیال او قدم بگذارید دنیائی که او در آن احساس آرامش میکند. در چنین مواردی نقش شما

مادری از دروغ گفتن فرزند خردسالش ناراحت است و در اینمورد راهنمایی خواسته. دروغ نشانه‌ای است از یک واقعیت و آن این است که فرزند شما در میان خانواده به غلط یا درست اعتماد بنفس خود را از دست داده است. فکرمیکند که شما منظورش را درک نمیکنید پس باید کاری کنیم که این اعتماد در بچه پیدا شود. البته بعضی از دروغ‌ها واقعا دروغ نیستند دروغ چیزی است که برخلاف حقیقت باشد ولی فهماندن این موضوع بیک کودک خردسال مثلاً بچه ۵ ساله دشوار است. برای اینکه کودک ۵ ساله اطلاع درستی از حقیقت ندارد. ممکن است تا حدود سن ۶

دروغ بگوید خود بخود میفهمد مشتت باز شده و کسی ادعاهای او را باور نکرده است اگر کودکی در سنین پائین یک واقعیت محض را نفی کند معنیش این است که کودک با نفی کردن آن میخواهد منکر بودنش شود و آن را از پندار خویش حذف کند نه آنکه این کودک علیه بزرگترها قیام میکند یا آنها را به مسخره میگیرد. این انکار واقعیت گاهی در بزرگسالان نیز دیده میشود و آن موقعی است که آنها باختلافات ناشی از هیجانی بسیار شدید دچار میشوند مثلا اگر بکسی خبر مرگ یکی از دوستان صمیمی و نزدیک او را بدهیم خبری که او ابتدا انتظار شنیدنش را نداشته است فریاد میزند نه این حقیقت ندارد این غیر ممکن است اگر درست باین مساله فکر کنیم میبینیم که معنیش این است که این خبر تحملش آنقدر دشوار است که شخص نمیخواهد حقیقت بودن آن را بپذیرد.

حال باختصار درباره کودکانی صحبت میکنیم که درست و حسابی دروغ میگویند. یعنی کودکانی که چیزهای نادرست میگویند در حالی که میتوانند درست را از نادرست و واقعیت را از تصور و خیال تشخیص بدهند در اینمورد سعی کنید پیش از این که منتظر دروغ گفتن کودک بشوید به او بفهمانید که وقتی به او اعتماد دارید که پای از جاده صداقت و درستی بیرون نگذارد اگر باوجود بقیه در صفحه ۴۶



این نیست که با خشونت حرفهای او را رد کنید بلکه باید کم کم به او یاد بدهید که فرق میان حقیقت و دروغ چیست و اختلاف بین ممکن و ناممکن کدام است اگر بچه شما گفت که سگی به بزرگی شیری دیده است قطعا این سگ او را ترسانده و تخیل او سبب شده که سگ را از حد معمول بزرگتر تصور کند اینجا تنها بیادآوری این نکته قناعت کنید که همه سگها از شیر کوچکترند دست آخر به او بگوئید که حرف بیهوده ای زده است و اینگونه حرفها را حرفهای دروغ میگویند و دروغ گفتن فایدهای ندارد. در اینصورت فرضا هم که او خواسته است

استثناء همه افراد جامعه اسلامی در حال تعلیم و تعلم باشند و این را بعنوان یک وظیفه دینی تلقی نماید . چه پیامبر (ص) میفرمود : خدا جانشینان مرا رحمت فرماید و در مقام پاسخ از سؤال جانشینان شما کیستند ، فرمودند کسانی که سنتها و روشهای نیکوی زندگی مرا زنده داشته و آنها را به بندگان خدا آموزش میدهند .

بنابراین هر دانشمند مسلمانی بحکم مسلمان بودن ، وظیفه مخصوص آگاه کردن برعهده او نهاده شده است و باید که نشر علم را بعنوان زکات آن منظور نماید .

اسلام برای تحقق خواسته‌های خود به همه راهها متوسل شده است ، زمانی دانشمندان را به تعلیم و تربیت جامعه فرمان میدهد و دیگر زمان پدران و مادران را

مسئول مستقیم دانسته و از آنجمله " قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا " و " وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا " (قرآن مجید) ناظر بر لزوم صدور اوامر و نواهی و هدایت و تربیت افراد خانواده میباشد .

فرزندان را بر اولیاء حقوقی است و از آنجمله : " وَيُحَسِّنْ آدَبَهُ وَيُعَلِّمَهُ الْقُرْآنَ " (نهج البلاغه) برخوردار از تعلیم و تربیت صحیح است .

چه کسی بیش از ما بر فرزندان ما دل میسوزاند ؟ چه کسی بیش از ما باید که ب فکر فرزندان ما باشد ؟ چه کسی بیش از ما به سعادت فرزندان ما میاندمیشد ؟ آیا صحیح است که امر تعلیم و تربیت فرزندان خود را بدیگران سپرده و هیچگونه کوشش و تلاش نداشته باشیم ؟ آیا در این صورت کَلِّ بر دیگران و مفتخوار نیستیم ؟ آیا گناه نیست که بدون تعاون و همکاری ، از دسترنج

پاسخ به یک نامه

بقیه از صفحه ۴۵

این فرزند شما با ز دروغ گفت لازم است که در فکر چاره باشید . تنبیه کردن علاج دروغ را نمیکند ولی این بدان معنی نیست که بچه را در دروغ گفتن آزاد بگذاریم و هیچ عکس العملی نشان ندهیم . اگر احساس کردید فرزند شما دارد دروغ میگوید سعی کنید کار اعتراف کردن به چیزی را که از شما پنهان میکند آسان

سازید اگر با خشونت به او بگوئید دروغ میگوئی کودک خود را دوبار متهم خواهد یافت متهم به خطائی که کرده است و متهم به اغفال کردن شما در این مورد حالتی در حد جنگ وجدال بین شما برقرار میشود اگر او از احساس عزت نفس برخوردار باشد عملا خود را مجبور مبیند دروغ بگوید پس باید از این فشار کاسته شود و کودک احساس کند شما بازهم میل دارید به او اعتماد کنید . موقعی فرزند شما به دروغ خود

جامعه بهره مند شویم ؟ آیا اشتباه نکرده‌ایم که در همه این امور ، دولت را مسئول دانسته و خود از دور دستی برآتش داشته باشیم ؟

با این سخن نمیخواهیم نقش حساس دولت جمهوری اسلامی را در بالا بردن سطح اطلاعات عمومی جامعه هدایت و رشد دندارک امکانات و انکار نمائیم ، چه از جمله حقوق امت بر امام " تَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَادِبِكُمْ كَيْفًا تَعْلَمُوا " (نهج - البلاغه) بالا بردن سطح تعلیم و تربیت و رهائی از بی‌فانمان برانداز جهل و ناآگاهی است بهر ترتیب آیه " وَتَعَاوَنُوا عَلَيَّ الْبِرِّ وَالتَّقْوَى " صل همکاری مستقیم اولیاء ، بانهادهای آموزش و پرورش را اثبات مینماید و هر فرد مسلمان ایرانی را به وظیفه مخصوص مسلمان بودن ، ولی بودن ، انقلابی بودن

آگاه و مکلف میسازد و همین معنی موجب ایجاد انجمنهای همکاری اولیاء و مربیان در واحدهای آموزشی سراسر کشور میگردد . تا دوشادوش فعالیت و رشد جوانان و نونهالان ، خانواده‌ها نیز در حال تلاش و رشد باشند و حتی المقدور در بهسازی محیط آموزشی ، پیشبرد همه جانبه دانش‌آموزان و سهیم باشند .

بامید آن روز که در سراسر کشور عزیزمان ایران شاهد انجمنهای فعال تعاون اولیاء و مربیان بوده ، انجمنی که بتوانند با تلاشهای خود مدرسه را مطاف اولیاء قرار دهد و اولیاء به خدمتگزاری این حرم قدس افتخار نمایند .



بزرگ شده با فردی که در یک محیط دروغ پرورش یافته باهم تفاوت فاحش دارند باید این جمله حضرت سجاد علیه‌السلام را خودمان بدانیم و به بچه‌هایمان عملاً بیاموزیم که فرمود :

" بهترین کلید گشایش کارها راستی است "



عتراف میکند که شما سعی کنید او را رباره دروغی که گفته است به فکر وادارید به او نشان دهید اگر دروغ میگفت این خطر بود اعتمادی که به او داشته اید زیان برود .

آنچه در پایان این مقال مهم بنظر می‌رسد و تذکر آن برای خانواده‌ها ضروری است پرورش حس‌ایمان و اعتقاد در کودک است و دراینمورد بهترین الگو پدر و مادرها هستند . کسیکه در یک خانواده راستگو